

بررسی جلوه‌های فرهنگ عامیانه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس استان یزد

اکبر رنجبر^۱، هادی حیدری‌نیا^۲، محمود صادق‌زاده^۳

چکیده

نمود و ظهور جلوه‌های فرهنگ عامیانه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس از بسامد بالایی برخوردار است. در این میان نویسندگان و خاطره‌نگاران استان یزد در آثار خود به فرهنگ عامه مردم یا همان فولکلور توجه خاصی دارند و در یک نگاه می‌توان گفت که این آثار که با زبان لطیف و عامیانه نگاشته شده، تجلی‌گاه فرهنگ عامه مردم است. در این آثار اعتقادات، سنت‌ها، آداب و رسوم، باورها، مشاغل، الفاظ و تعبیرات عامیانه، ضرب‌المثل‌ها، تکیه‌کلام‌ها، آواها و نواها، طب سنتی، آیین ازدواج، جادو و جادوگری و ... به شکل هنرمندانه‌ای تبلور یافته است. برقراری ارتباط با مخاطبان و در نظر گرفتن شرایط اوضاع زمان و به‌کارگیری فرهنگ عوام در آثار و همچنین خلق مضامین جدید، موجب شده است تا این خاطره‌نگاشت‌ها به‌عنوان سندی مکتوب با اقبال عمومی مواجه شود و جای پای خود را در جامعه باز کند. در این نوشتار مهم‌ترین جلوه‌های فرهنگ عامه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس استان یزد به‌صورت تحلیلی و توصیفی بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: فرهنگ عامه، خاطره‌نگاشت، دفاع مقدس، استان یزد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۴

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

A_ranjbar16@yahoo.com

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

heidari_hadi_pnuk@yahoo.com

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

md.sadeghzade@gmail.com



گنجینه گرانسنگ ادبیات فارسی دربرگیرنده گهرهای زرین و ارزشمندی است که توسط شاعران و نویسندگان این سرزمین جمع‌آوری شده است.

فرهنگ اساس هویت‌دهنده و روح یک جامعه است؛ چراکه جامعه با اتکا به فرهنگ قوی، پویا و بالنده خود می‌تواند مراحل رشد و پیشرفت را دنبال کند. فرهنگ آینه هویت اقوام است. بدون شک هیچ قومی در سراسر تاریخ بدون فرهنگ نبوده و تفاوت در فرهنگ‌ها نیز به خاطر تفاوت در خرده‌فرهنگ‌هایی است که فرهنگ جوامع بشری را تشکیل داده است. در این میان فرهنگ به صورت‌های مختلفی تعریف شده است. واژه فرهنگ در ادبیات فارسی به معنی دانش، حرفه، علم، فنون، روش‌ها، عقل و ادب، بزرگی و آشنایی به آداب و رسوم خواص و بزرگان به کار رفته است.

تعریف فرهنگ عامه و اصطلاحات آن

در لغت‌نامه دهخدا فرهنگ چنین تعریف شده است: «مرگب از فر که پیشوند است و هنگ که از ریشه ننگ اوستایی به معنی کشیدن و فرهختن و فرهنگ، هردو مطابق است با ریشه ادوکات و ادوره در لاتینی که به معنی کشیدن و نیز به معنی تعلیم و تربیت است» (دهخدا، ۱۳۴۱: ۲۷۷).

فولکلور از ترکیب folk به معنی فرهنگ و دانش و lor به معنی مردم و توده به وجود آمده است؛ بنابراین «در لغت به معنی دانش عامیانه است و در مردم‌شناسی به مطالعه هنرها، رسوم، سنن عامیانه‌ای که در جوامع متمدن و صنعتی رواج دارد اطلاق می‌شود» (روح‌الامینی، ۱۳۸۱: ۱۹۳).

میهن‌دوست بر این باور است: «فرهنگ عامه ایران ریشه در اعصار کهن دارد و پژوهش در زادیاافتگی و کارکرد مواد و عناصر به دوره آن، از جمله راه به مباحث توت‌م و تابو و فتی‌شیس‌م می‌برد» (میهن‌دوست، ۱۳۸۰: ۱۳).

در ادبیات فولکلور تعریف جامعی از فرهنگ، بیان نشده و فرهنگ عامه به صورت‌های مختلفی تعریف شده است، از جمله حاجی‌زاده میمنندی می‌نویسد: «فرهنگ مردم راه و روش



بررسی جلوه‌های فرهنگ عامیانه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس...

خودجوش و قانون‌مند زندگی است؛ راه و روشی که با هوشمندی، خلاقیت و عرق جبین نسل‌ها برای یافتن مناسب‌ترین راه‌های پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی و مادی زندگی در سرزمین و اقلیم‌ها به دست آمده است» (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۸۴: ۴۹).

فرهنگ عامه در معنای گسترده شامل تمام جنبه‌ها و جلوه‌های زندگی اجتماعی مردم یک جامعه می‌شود که جوهره و اساس آن، باورها، اعتقادات، آداب‌ورسوم و سنت‌های آنان است. در پژوهش فرهنگ عامه تأکید بر ثبت و ضبط عناصری است که در حال زوال و فراموشی هستند. حاجی‌زاده میمندی در این مورد می‌نویسد: «فرهنگ عامه یک جامعه، میراث اجتماعی معنوی آتی جامعه است که ثمره تدبیر و تلاش و عقل جمعی نسل‌های گذشته در طول تاریخ است. مشکلات امروز جامعه ما، ریشه در ساختار و گذشته تاریخی آن دارد و استفاده از برخی راهکارها و تدبیر به کار رفته در فرهنگ عامه سنتی احتمالاً می‌تواند در کاهش مشکلات و دغدغه‌های جامعه امروز مؤثر واقع شود» (همان، ۶۳).

هر جامعه برای پیشرفت به هویت و تکیه بر تاریخ گذشته خود نیاز دارد و پژوهش در فرهنگ عامه هر منطقه و تلاش به‌منظور صیانت و حفظ آن و معرفی آن به نسل جوان موجب بقا و پویایی یک جامعه می‌شود.

ادبیات فولکلور

اهمیت فولکلور از آن‌روست که با تشریح زوایای تاریک مبهم و مه‌آلود زندگی واقعی توده‌های مردم در سرزمین‌های مختلف آنان را به هم می‌شناساند.

متأسفانه ادبیات فولکلور آن‌گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته و در مراحل توسعه جامعه بشری می‌توان دوره‌هایی را یافت که ادبیات فولکلور مورد توجه نبوده است. ادبیات فولکلور تنها به بیان آثار گذشته مربوط نمی‌شود، بلکه به آفرینش مجدد آثار ادبی منتهی می‌شود. نویسندگان ایرانی مانند صادق هدایت و کوهی کرمانی از جمله گردآورندگان ادبیات فولکلور ایران هستند. بیری سپیک در *ادبیات فولکلور ایران* می‌نویسد: «موضوع‌های ادبیات فولکلور، موضوع‌های واقعی هستند، زیرا زمانی که خطر انسان را تهدید می‌کند، باید



فصلنامه فرهنگ یزد

آموزش دهد، راهنمایی کند، و به انسان جرئت و صبر بدهد؛ از این رو موضوع‌های ادبیات فولکلور با اوضاع روزگار مطابقت دارند» (سپیک، ۱۳۸۴: ۱۳).

طباطبایی اردکانی در کتاب **فرهنگ عامه اردکان** در مورد فولکلور چنین نظریه‌ای دارد: «در زبان پارسی برای فولکلور معادل‌هایی چون فرهنگ توده، دانش عوام، توده‌شناسی، فرهنگ عامه و فرهنگ مردم برگزیده شده، ولی هنوز واژه‌ای که مقبولیت عام یافته باشد و همه خصایص این کلمه ترکیبی را دربرگیرد به دست نیامده است» (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۳۳۳).

از تعریف‌هایی که در مورد ادبیات فولکلور بیان شد می‌توان دریافت که ادبیات فولکلور معادل فرهنگ عامه است و زمانی که از فولکلور ملّتی سخن می‌گوییم، سخن از آداب و رسوم، عقاید، ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و هزاران پدیده دیگر اجتماعی است که بازگوکننده اندیشه و احساسات توده مردم است.

فولکلور یا فرهنگ عامه یا فرهنگ عوام بیشتر شامل سنت‌ها، اسطوره‌ها، باورها، ادبیات شفاهی، روایات، افسانه‌ها، جشن‌ها، لهجه‌ها، زبان‌های محلی، آداب و رسوم، ترانه‌ها، قصه‌ها، موسیقی، شعائر، مناسک، صنایع دستی، هنرها، بازی‌ها، سحر و جادو، خرافات و ... است.

خاطره و خاطره‌نگاشت

خاطره از ریشه «خاطر» است و این واژه در بیشتر واژه‌نامه‌های فارسی به معنای فکر و اندیشه آمده است. دهخدا این واژه را این‌گونه معنا کرده است: «اموری را گویند که بر شخص گذشته که شخص آن را دیده یا شنیده است» (دهخدا، ۱۳۵۲: ۶۲).

از سوی دیگر «خاطره، اثر، نوشته و یا پدیده‌ای است روایی که پدیدآورنده آن با آگاهی و اراده به شرح احوال، حادثه‌ها و رویدادهای گذشته می‌پردازد که به عللی در ذهن ماندنی و برجسته شده‌اند. راوی آن حضور مستقیم و یا غیرمستقیم (مشاهده منابع دست اول و ... دارد). جزئیات زمان و مکان و نیز چگونگی وقوع حوادث نیز در آن مندرج است. خاطره در بیشتر موارد، تأثیری احساسی، عاطفی بر فرد می‌گذارد» (ایروانی، ۱۳۸۶: ۷۶).

در شرایط کنونی اقبال نویسندگان و خاطره‌نگاران در خصوص نگارش خاطرات دوران دفاع مقدس به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای روبه‌رشد بوده است و این‌گونه ادبی بیشتر از دیگر



بررسی جلوه‌های فرهنگ عامیانه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس...

گونه‌های ادبی، مورد توجه قرار گرفته است. استان یزد نیز در این حوزه به خوبی وارد شده است؛ به گونه‌ای که چاپ و انتشار بیش از سیصد عنوان کتاب خاطره از رزمندگان جبهه و جنگ، شاهدهی آشکار بر این مدعا است.

پیشینه پژوهش

هرچند استان یزد در حوزه خاطره‌نویسی دفاع مقدس از استان‌های پیش‌تاز کشور است و تاکنون آثار قابل توجهی به عنوان کتاب خاطره از رزمندگان یزدی دوران دفاع مقدس منتشر شده است، اما تاکنون پیرامون تحلیل و بررسی این آثار اقدامی صورت نگرفته است. در این میان با بررسی کامل سابقه پژوهش مشخص شد که پژوهشی که به بررسی عناصر فرهنگ عامه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس استان یزد بپردازد یا حتی پژوهشی که عناصر فرهنگ عامه را در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس در کل کشور مورد بررسی و کاوش قرار دهد وجود ندارد؛ از این رو پژوهش حاضر کاملاً نو و بکر و به نوبه خود قابل توجه است. پژوهش حاضر به دنبال یافتن این پرسش است که مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ عامه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس استان یزد کدام است؟ در این نوشتار برخی از مهم‌ترین جلوه‌های فرهنگ عامه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس استان یزد به همراه نمونه‌هایی در این آثار بررسی می‌شود.

۱. ضرب‌المثل‌ها

ضرب‌المثل‌ها جملاتی هستند مختصر، با مضامینی حکیمانه که به سبب روانی الفاظ، روشنی معنا و لطافت ترکیب، بین عامه مشهور می‌شوند (رحیمی‌نیا، ۱۳۸۷: ۵)، از مهم‌ترین مواد اولیه اشکال عمده ادبیات فولکلور به شمار می‌روند (سیپک، ۱۳۸۸: ۱۳۴) و رساتر از سایر عناصر فرهنگ عامه، خلیات اقوام و جوامع را بازمی‌نمایند. ضرب‌المثل‌ها در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس نمود خوبی دارد.

ضرب‌المثل «قوز بالای قوز» که با پشتوانه داستانی خوبی هم همراه است و بیانگر افزودن مشکل بر مشکل اول است در این خاطره بازتاب خوبی دارد:

«اما اضافه شدن درد دندان که خدا نصیب احدی نکند، قوز بالای قوز می‌شد» (هاشمی،

۱۳۸۸: ۲۵) یا ضرب‌المثل «دل به دریا زدن» که به معنای انجام کاری بدون در نظر گرفتن



پیشامدهای آن است. در خاطره‌ای می‌خوانیم: «دل به دریا زد و هوای دل مجبورم کرد از روی کپی شناسنامه، تاریخ تولدم را دست‌کاری کنم» (عسکری، ۱۳۸۹: ۱۵). همچنین ضرب‌المثل «خر عوض نشده، فقط پالونش عوض شده» که به معنای عوض نشدن شرایط است: «شعار می‌دادیم: ما می‌گیم خر نمی‌خوایم، پالون خر عوض می‌شه / ما می‌گیم شاه نمی‌خوایم نخست‌وزیر عوض می‌شه» (همتی، ۱۳۹۵: ۴۲).

ضرب‌المثل معروف «گره را دم حجله کشتن» از ضرب‌المثل‌های ریشه‌دار و قدیمی با مفهوم کنایی است که در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس استان یزد، به‌خوبی، نمایانگر است. این ضرب‌المثل زمانی استفاده می‌شود که کسی بخواهد جذبه و قدرت خود را از همان اول کار نشان دهد: «ایشان اولین کسی بود که با وی برخورد کرد. برای اینکه به گفته خودمان گره را دم حجله بکشم، او را تنبیه کرد» (همتی، ۱۳۹۵: ۱۷۵).

۲. تعابیر و اصطلاحات عامیانه

هر منطقه جغرافیایی به سبب فرهنگی که بر آن منطقه حکم‌فرماست از یکسری تعابیر و اصطلاحات عامیانه مخصوص برخوردار است که توسط مردم آن سامان مورد استفاده قرار می‌گیرد که البته ممکن است این اصطلاحات و تعابیر در برخی از نقاط جغرافیایی دیگر به فراخور فرهنگ حاکم، مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

- نِسِر (neser)

در مناطق مختلف روستایی استان یزد به جای مرطوب و نمناک نِسِر می‌گویند: «در آن اتاق یک فرش دو در سه بود و یک چراغ کوچک والور، اتاق نِسِر بود که مطلقاً آفتاب نمی‌تابید» (همتی، ۱۳۹۵: ۴۱).

- دمغ (Damagh)

دمغ در اصطلاح بومی مردم یزد به معنای ناخوشی و سرحال نبودن است. «به‌خاطر همین موضوع وقتی به روستایمان رسیدم، خیلی دمغ و نگران بودم» (شمس‌الدینی، ۱۳۹۹: ۱۴).

- یک‌هو (yek how)



بررسی جلوه‌های فرهنگ عامیانه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس...

«ما اومدیم وضعیت اینها را مشخص کنیم، یک‌هو وضعیت خودمون بدتر می‌شه»
(شمس‌الدینی، ۱۳۹۹:۷۳).

- شوم (Shoom)

شوم به معنای شام است.

«ننه! تو که شوم نخوردی، بیا بریم خونه شوم بخور» (شمس‌الدینی، ۱۳۹۹:۲۸).

- ول کردن (wel kardan)

به معنای رها کردن یک چیز و ادامه ندادن یک کار است.

«آن پرستار خواست عفونت را تمیز کند که به عصب دستم خورد و خیلی درد گرفت!

فریاد زدم ولم کن» (همتی، ۱۳۹۵:۱۵۶).

- پرسه (Porse)

در گویش مردم یزد به مراسم ختم درگذشتگان گفته می‌شود، البته این اصطلاح در

برخی دیگر از نقاط کشور هم به همین معنا کاربرد دارد.

«شب فرامی‌رسد. مراسم دعا و پرسه در منزل پدر شهید برپاست» (عسکری، ۱۳۸۹:

۷۳).

- گر گرفتن (gor gereftan)

به معنای شعله‌ور شدن آتش که در مناطق روستایی استان یزد کاربرد بسیاری دارد.

«... کنار اجاقی که با آتش هیزم گر گرفته است» (همان: ۷۶).

- تک‌وتوک (Tak o took)

در بین مردم مناطق مختلف استان یزد کاربرد دارد و به معنای تعداد اندک است.

«حال تک‌وتوک افرادی بیدار شده بودند و آماده می‌شدند برای نماز جماعت صبح»

(هاشمی، ۲۸: ۱۳۸۸).

- پستو (Pastoo)

اتاق کوچکی که در پشت اتاق دیگری بسازند و اشیاء و لوازم اضافی و گران‌بهای خانه

را در آن می‌گذارند.



«هر موقع به پستوی خانه می‌رفتم، عکسی آنجا بود که فکر می‌کردم جبریل است» (همتی، ۱۳۹۵: ۲۲).

۳. کنایه‌ها

ذکر مطلبی و درک دریافت مطلبی دیگر است و از جهت دلالت مکنی‌به، بر مکنی‌عنه بر سه نوع است: کنایه از موصوف (اسم)، کنایه از صفت، کنایه از فعل یا مصدر (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۶۶؛ نیز صادقیان، ۱۳۷۱: ۲۱۳).

بسیاری از کنایه‌ها ژرفایی دارند که به گذشته برمی‌گردد و برای دریافت معنای مجازی آنها، باید واسطه‌ها را در نظر آورد. جست‌وجو در ریشه‌یابی اصل کنایه‌ها نشان می‌دهد که سررشته بسیاری از آنها در آیات قرآن، باورهای پیشینیان، آداب و رسوم اجتماعی، اعتقادات مذهبی و اساطیر نهفته است (میرزانی، ۱۳۸۲: ۹۰۳).

در خاطره‌نگاشت زیر «سر از پا نشناختن» کنایه از خوشحالی بیش‌ازحد است. «خیلی خوشحال شدیم، آن روز دیگر سر از پا نمی‌شناختیم، با خود می‌گفتم اسلحه کلاشینکف چه شکلی است» (همتی، ۱۳۹۵: ۲۱).

یا در این مطلب که «زیر بار نرفتن» کنایه از نپذیرفتن است. «من هم زیر بار نمی‌رفتم و آنها را تهدید می‌کردم» (شمس‌الدینی، ۱۳۹۵: ۵۲). یا عبارت کنایی «خواب را از چشم کسی گرفتن» که به معنای آرامش و قرار نگذاشتن برای طرف مقابل است.

«یک ماه آنجا بودیم. کاظم میرحسینی بچه‌ها را جلو می‌فرستاد و خواب را از چشم عراقی‌ها می‌گرفت» (کلانتری، ۱۳۹۹: ۲۱۱).

همچنین اصطلاح «زهرچشم گرفتن از کسی» که در معنای کنایی ترساندن کسی به کار می‌رود، از اصطلاحات رایج محلی است که در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس استان یزد هم بازتاب خوبی دارد.

«روز اول زهرچشم خوبی گرفت. همه مواظب بودند که گریه نکنند و بچه‌ننه معرفی نشوند» (زمانی‌فر، ۱۳۹۸: ۳۴).



۴. گویش

به یک شکل خاص از زبان که مختصّ یک منطقه یا یک گروه اجتماعی به‌خصوص است «گویش» می‌گویند. برخی از کلمات که مخصوص گویش یزدی است، در این خاطره‌نگاشت‌ها بازتاب بسیاری دارد.

– مدن (medan)

«اگر قرار بود لو نریم، حالا دیگه اینا منا لو مدن، آخه این جعفری بیچه ه زیر شکنجه تاب نمی‌آره» (مهرابی، ۱۳۸۸: ۳۸). کلمه مدن در گویش یزدی به معنای می‌دهند کاربرد دارد. همچنین مخفف کردن کلمات در گویش یزدی نیز قابل توجه است؛ به طوری که «ه» به معنای است، در عبارت بالا شاهد مثالی مناسب است.

یا کلمه «متی» در گویش یزدی که به جای مهدی به کار می‌رود.
«گفت بلند شو! متی طوریت که نیست، بلند شو» (همتی، ۱۳۹۵: ۱۵۱).

۵. تکیه کلام‌ها

تکیه کلام‌ها از موارد پرکاربرد در فرهنگ عامه به‌شمار می‌روند. معمولاً مردم هر منطقه تکیه کلام خاصی دارند.

– بارک‌الله

زمانی که کسی کار خوبی انجام می‌دهد به کار می‌رود، البته گاهی هم از روی طعنه برای کسانی که کارشان را به درستی انجام نداده‌اند استفاده می‌شود.

«گفتیم بارک‌الله ایشان چه دل‌وجرّتی داشته که با فرمانده پادگان به خاطر غذا جرّوبحث کرده است» (همتی، ۱۳۹۵: ۵۲).

– جونت شم

جونت شم به معنای فدایت شوم، قربانت بروم.

«رو به من کرد و گفت: جونت شم، من رفتم داماد بشم» (قلی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۷۱).

– یاالله صوتی برای هشدار و اعلام خبر است.

«رو به من کرد و گفت: یاالله! همه پاشن برای نماز شب» (همان، ۱۱۷).



۶. بخت و شانس

از گذشته‌های دور بخت و شانس جزءِ باورهای عامیانه مردم به‌شمار می‌رود. به اعتقاد مردم بخت و شانس در زندگی انسان اهمیت بسیاری دارد. برخی ذاتاً خود را بدقبال و بدشانس و دیگران را خوش‌قبال و خوش‌شانس می‌دانند. بخت و شانس به اعتقاد عامه چیزی است که در زندگی آدمی، یک‌باره و دور از انتظار پیش می‌آید؛ بی‌آنکه خود او در پدید آمدن آن نقشی داشته باشد. این مورد در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس استان یزد نقش پررنگی دارد.

«خواب و خستگی کلافه‌ام کرده است. لعنت به این شانس!» (عسکری، ۱۳۸۹: ۸۶).

۷. دین

دین به‌عنوان یکی از بن‌مایه‌های ادبیات عامیانه، همواره مورد توجه پژوهشگران این حوزه بوده است و خاطره‌نگاران در خلق آثار خود از این اصل نیز غافل نبوده‌اند. «یادم است چند سال قبل از انقلاب، مدتی هم قاسم‌آباد برای شرکت در مراسم دعای ندبه می‌رفتم. این مراسم توسط عباس آرابی که می‌گفتند قبلاً بهایی بوده و مسلمان شده، برگزار می‌شد.» (همتی، ۱۳۹۵: ۳۰).

۸. طب سنتی

دین به‌عنوان یکی از بن‌مایه‌های ادبیات عامیانه، همواره مورد توجه پژوهشگران این حوزه بوده است و خاطره‌نگاران در خلق آثار خود از این اصل نیز غافل نبوده‌اند. طب سنتی در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس به‌خوبی مورد توجه قرار گرفته است. نام بردن از گیاه دارویی «گل‌گاوزبان» که از جوشانده این گیاه برای کاهش اضطراب و استرس و تقویت سیستم عصبی استفاده می‌کنند، نمونه‌ای از این موارد است: «چند نفر از زن‌های روستا جوشانده گل‌گاوزبان آماده می‌کنند و به او می‌دهند.» (عسکری، ۱۳۸۹: ۶۹).



۹. آداب و رسوم

شیوه‌های زندگی در همه ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و برپاداشتن آیین‌های سنتی و مراسم و مناسک مذهبی از موضوع‌های دیگر مورد توجه در بخش عامه خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس است.

یکی از این آداب که از گذشته‌های دور همراه با زندگی مردم روستاهای این استان بوده، بردن مرده به خانه‌اش برای آخرین بار، به منظور خداحافظی با اهل و عیال است. «در روستا رسم بر این است که فرد ازدنیارفته را برای آخرین بار به خانه‌اشان^۱ می‌برند و بعد به خاک می‌سپارند» (عسکری، ۱۳۸۹: ۶۱).

خواستگاری و ازدواج از دیگر آیین‌های مورد اشاره در این خاطره‌نگاشت‌ها است. «آن دوران کسانی که موقع ازدواج برای خودشان خانه مستقل داشتند، خیلی کم بودند. وقتی می‌رفتند خواستگاری، هیچ موقع خانواده عروس نمی‌گفت: خانه داری یا نه؟ یعنی خانواده زن و مرد، هر دو، می‌دانستند کسی که ازدواج کند چندین سال باید در خانه پدری یا خانه مادری یا اجاره‌ای زندگی کند تا بعد خانه‌دار شود.» (همتی، ۱۳۹۵: ۳۴).

رد کردن مسافر از زیر آینه قرآن

رد کردن کسی که قصد دارد به مسافرت برود از زیر قرآن از رسوم رایج در استان یزد از گذشته تاکنون بوده است. مردم این استان اعتقاد دارند کسی که از زیر قرآن رد شود، از بلاها و مصیبت‌ها در طول سفر محافظت می‌شود.

«خوابم را نصفه و نیمه برای همسرم تعریف کردم و او اشک‌هایش را هنگامی که از زیر آینه قرآن رد می‌شدم، بدرقه راهم کرد.» (مهرابی، ۱۳۸۸: ۲۱).

۱۰. اعتقادات و باورها

این بخش نیز که از عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ عامه محسوب می‌شود، در این خاطره‌نگاشت‌ها بازتاب بسیار خوبی دارد.

اعتقاد به دود کردن اسپند برای جلوگیری از چشم‌زخم از گذشته‌های بسیار دور در فرهنگ عامه مردم جایگاه ویژه‌ای دارد.



«... برخی حتی اسفند دود می کردند.» (توگلی، ۱۳۹۹: ۱۷).

یا اعتقاد به اینکه قربانی کردن گوسفند در رفع بلاها و رنج‌ها بسیار کارساز است مانند: «پدر و مادرم هم سخت‌گیری نمی کردند. متنها هر بار که مجروح می شدم، نظر به اعتقادات شرعی‌اشان^۱، گوسفندی قربانی و برایم نذر می کردند» (قلی‌پور، ۱۳۹۷: ۲۹).

یا باور به اینکه اگر کسی صورتش یک‌باره نورانی شود، شهادت و مرگش نزدیک است. این موضوع را در خاطره‌نگاشت زیر به‌وضوح می‌بینیم.

«تقریباً قبل از اینکه شهید شود، عاصی زاده را دیده‌ام؛ آن‌چنان نورانی شده بود که من هیچ‌گاه کسی را تا این حد نورانی ندیده بودم. خیلی عجیب بود، من همان‌جا به خودم گفتم که عاصی به خط می‌رود و احتمال دارد شهید بشود.» (کلانتری، ۱۳۹۹: ۲۷۸).

۱۱. طبقات اجتماعی

کدخدا از نقش‌های کلیدی و اصلی در قلمروی روستا بوده و معمولاً به‌گونه‌ای نقش مدیریتی روستا را نیز بر عهده داشته و در مقابل خدمات خود در اداره کردن امور مردم در زمینه‌های گوناگون شغلی، رفع اختلاف‌ها و دیگر زمینه‌های اجتماعی، از مردم توقع حرف‌شنوی و فرمان‌بری و احترام داشته است.

معمولاً کدخدا در روستا جایگاه و منزلت بالایی داشت و مردم روستا هم از او انتظار داشتند که از حقوق مادی و معنوی آنان دفاع کند و حافظ آنها باشد.

«... اتفاقاً اسم بچه‌های کدخدای آن محل، ایرج و منوچهر بود و پای منبر نشسته بود که آقای ناطق این مطلب را بیان کرد. دوستان گفتند: حالا آقای ناطق که پائین بیاید، حسابی کدخدا از دستش شاکی می‌شود.» (همتی، ۱۳۹۵: ۳۰).

۱۲. لالایی‌ها

بدون شک لالایی‌ها در ادبیات عامه قدمت دارند و سابقه پیدایش آنها نیز به همان آغاز زندگی بشر برمی‌گردد. موسوی گرمارودی بر این باور است که «لالایی‌ها از اوّلین و



بررسی جلوه‌های فرهنگ عامیانه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدّس...

ابتدایی‌ترین اشکال غیررسمی یا افواهی کودکان محسوب می‌شوند.» (گرمارودی، ۱۳۸۲: ۲۳).

هر کودکی گرچه از همان روزهای نخست تولد، سخنان پدر و مادر و نزدیکان و بستگان را می‌شنود، ولی اوّلین ارتباط کلامی و رابطه هم‌سخنی و آشنایی او فقط با مادر و از راه شنیدن لالایی حاصل می‌شود (رنجبر، ۱۴۰۰: ۲۹۱).

«یکی از خواهرانم از من کوچک‌تر بود. موقعی که مادرم برای خواهرم لالایی می‌خواند، بعضی وقت‌ها با لالایی مادرم گریه‌ام می‌گرفت.» (همّتی، ۱۳۹۵: ۲۳).

۱۳. دعاها و نفرین‌ها

دعا و نفرین در فرهنگ عامّه مردم استان یزد جایگاه ویژه‌ای دارد. دعا‌های خیر (آفرین‌ها) و دعا‌های بد (نفرین‌ها) با فرهنگ مردم این استان عجین شده و در زندگی روزمره ساری و جاری است.

این بخش از فرهنگ عامّه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدّس استان هم به‌خوبی نمایانگر شده است. در فرهنگ عوام، هر زمانی که خوشی و سعادت کسی را می‌خواستند، برای او دعا می‌کردند و هر زمانی که از دست کسی ستمی دیده و عصبانی هستند او را نفرین می‌کنند.

«خطاب به حاج مصیّب می‌گوید: پسرم شیرم حلالت!» (عسکری، ۱۳۸۹: ۸۰).

«خواب و خستگی کلافه‌ام کرده است. لعنت به این شانس!» (عسکری، ۱۳۸۹: ۸۶).

۱۴. خواب و خواب‌گزاری

خواب و خواب‌گزاری که بازتاب حوادث روزانه و پیشامدهای آینده است از موضوع‌های مورد توجه در فرهنگ عامّه است.

این موضوع در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدّس استان یزد هم به‌خوبی بازتاب یافته است.

«زمان وضع حمل مادر اصغر فرا رسیده بود، یک ماما خدیجه داشتیم که در روستای گلستانک زندگی می‌کرد. در آن تاریکی دست ماما خدیجه که نابینا بود را گرفتیم و آن پیرزن تا حدّی که در توانش بود با سرعت حرکت کرد.» (امینی، ۱۴۰۰: ۱۶).



«اصغر خوابش را تعریف کرد: دیشب خواب دیدم که امام خمینی روی یک تخت روان نشسته بود و بالای جمعیت حرکت می‌کرد و من هم در بین جمعیت بالا و پائین می‌پریدم و می‌گفتم: سرباز توأم خمینی، سرباز جانباز توأم خمینی و امام خمینی هم پشت سرهم برای من دست تکان می‌داد.» (همان: ۲۵).

۱۵. نیایش و نذرونیاز

موضوع نیایش و نذرونیاز همواره از کارکردها و عناصر برجسته در فرهنگ عامه به‌شمار می‌رود. مردم این استان به‌مانند مردم دیگر مناطق کشور برای رسیدن به حاجات خود و رفع گرفتاری‌ها و مشکلات با توسل به خداوند بزرگ و واسطه کردن ائمه معصومین (علیهم‌السلام) برای رفع گرفتاری‌هایشان همواره این اصل را مورد توجه قرار داده‌اند. نمونه‌ای از این مورد را در خاطره‌نگاشت زیر می‌خوانیم.

«در زمان ما زنی که بچه‌دار نمی‌شد با مشکلات زیادی روبه‌رو بود. با دعاهای فراوان و نذرونیاز، خداوند در محرم سال بعد فرزندی به من عطا کرد و به‌خاطر همین لطف خدا در محرم به یاد حضرت علی‌اصغر، فرزند امام حسین (علیه‌السلام)، اسم پسرمان را اصغر گذاشتیم و اصغر را نذر امام حسین کردیم و ...» (امینی، ۱۴۰۰: ۱۶).

۱۶. مشاغل سنتی

مشاغل سنتی از جمله مواردی است که در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس استان یزد از بسامد بالایی برخوردار است و خاطره‌نگاران به‌نوعی این مشاغل را در نوشته‌ها و آثار خود ذکر کرده‌اند.

- چوب‌داری

در اصطلاح عامیانه مردم مناطق مختلف استان یزد به کار خریدوفروش گوسفند و کسب سود از این طریق «چوب‌داری» می‌گویند. کسانی که در این پیشه اشتغال داشتند، معمولاً از اوایل اسفند تا پایان اردیبهشت، در مناطق مختلف عشایری رفت‌وآمد می‌کردند و به خریدوفروش گوسفند می‌پرداختند. هنوز هم در مناطق روستایی و عشایری استان یزد به کسانی که به این حرفه مشغول هستند «چوب‌دار» و به شغل آنان «چوب‌داری» می‌گویند.



بررسی جلوه‌های فرهنگ عامیانه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس...

«در کنار کشاورزی، پدرم کار قصّابی و چوب‌داری را هم انجام می‌داد. من هم مجبور بودم که همراه پدرم کار کنم.» (همتی، ۱۳۹۵: ۲۲).

– ملاً

به مکتب‌داران قدیم «ملاً» می‌گفتند و کار آنان این بود که در مکتب‌خانه‌ها در ازای گرفتن وجهی به‌عنوان حق‌الزّحمه، به کودکان خواندن و نوشتن و هجّی کردن قرآن را یاد می‌دادند.

«یک سال پیش رفتم پیش فردی بنام^۱ میرزا غلامحسین زارع که ملاًئی محلّه‌امان^۲ بودند و قرآن را به‌صورت کامل یاد گرفتیم. آن‌موقع به روش‌های قدیمی به‌اصطلاح هیجی یا هجی قرآن را یاد می‌دادند.» (همتی، ۱۳۹۵: ۳۵).

«برخلاف رسم آن زمان یزد بچه‌ها را از کودکی و قبل از دبستان به ملاً می‌فرستادند تا روخوانی و روان‌خوانی قرآن را یاد بگیرد.» (زمانی‌فر، ۱۳۹۸: ۱۵).

– مقنّی

آنکه قنات یا چاه می‌کند (دهخدا، ذیل واژه).

مقنّی‌ها کار درآوردن گل‌ولای و سنگ از درون چاه و قنات یا همان کاریز را انجام می‌دادند و با این طریق به زیاد شدن آب کشاورزی کمک می‌کردند. این شغل از مشاغل سنتی و قدیمی است که در تاریخ و تمدن ایران‌زمین و دیار کویری یزد از سابقه‌ای دیرینه برخوردار است. شغل مقنّی‌گری در استان کویری یزد، به‌واسطه کم‌آبی و نیاز به آب همواره از گذشته پررونق بوده است.

«از آنجاکه بچه‌ها مهارت و تجربه کافی در تونل‌کَنی نداشتند، چند تن از مقنّی‌های یزدی دعوت شدند.» (خدایی، ۱۳۸۸: ۷۰).

«چشمش به مقنّی‌ای می‌افتد که حسن پس از یک‌سال چوپانی در دوازده‌سالگی با او به مقنّی‌گری می‌رفت» (عسکری، ۱۳۸۹: ۶۰).

۱. در اصل متن چنین است؛ به نام (ویراستار)

۲. محلّه‌امان



- شعربافی

به مجموع مشاغل نساجی یزد از قبیل دارایی‌بافی، احرامی‌بافی، ترمه‌بافی، بافت دستمال‌های سنتی و شال و ... که به‌وسیله دستگاه سنتی بافندگی بافته می‌شود «شعربافی» می‌گویند.

«شغل پدرم شعربافی بود. ایشان قبلاً نزد دایی‌ام در کارگاه ترمه‌بافی کار می‌کرد، یک دستگاه هم در خانه داشتیم. صبح‌ها مادرم کنار دستگاه مشغول کار بود، بابا هم که بعدازظهرها به خانه می‌آمد، با دستگاه کار می‌کرد.» (همتی، ۱۳۹۵: ۲۱).

۱۷. مصالح سنتی

- کاه‌گل

کاه‌گل ملاطی است که در معماری ایران به‌خصوص در مناطق کویر مرکزی ایران به کار می‌رود. این ملاط ترکیبی است از خاک رس و کاه که عمدتاً برای اندود کردن سقف‌ها به کار می‌رود. این ملاط به دلیل وجود کاه مقاومت نسبی پیدا می‌کند و جلوی ترکیدگی آن گرفته می‌شود. از سوی دیگر عایق خوبی برای جلوگیری از انتقال حرارت در منطقه کویری ایران است.

«انگار آنها بوی همان کویر و دیوارهای کاه‌گلی‌شان را می‌دادند و من شب‌های پرستاره کویر را در آسمان چشمشان به تماشا نشستم.» (مهرابی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

دیدن ستاره در آسمان کویر یکی از ویژگی‌های کویر است که از زیبایی خاصی هم برخوردار است.

۱۸. طنز و شوخ‌طبعی

طنز و شوخ‌طبعی یکی از کارکردهای فرهنگ عامه است که از قضا در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس این استان هم بازتاب بسیاری دارد. رزمندگان در دوران جنگ با شوخ‌طبعی ضمن نشان دادن خنده بر لبان دیگر رزمندگان و ایجاد تنوع و سرگرمی به بالا بردن روحیه آنان در شرایط سخت جبهه و جنگ کمک می‌کردند.

شعبانپور معتقد است: «شناخت اصطلاحات و شوخ‌طبعی رزمندگان، کوتاه‌ترین راه برای

شناخت فرهنگ جبهه و جنگ است.» (شعبانپور، ۱۳۸۳: ۳۵۹).



بررسی جلوه‌های فرهنگ عامیانه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس...

«با صدای انفجار، اصغر باقری خودش را به ما رساند. سر ما فریاد می‌زد: چغندرها! برید کنار. دارید چکار می‌کنید؟» (شمس‌الدینی، ۱۳۹۹: ۹۰).

«یکی از برادرهای بافق خیلی شوخ بود. قبل از عملیات گفته بود من سه تا آرزو دارم. یکی اینکه عراقی‌ها را سوارشان شوم، یکی هم ساعت عراقی پشت دست ببندم و یکی هم...» (کلانتری سرچشمه، ۱۳۹۹: ۱۴۴).

۱۹. استخاره گرفتن

اعتقاد به استخاره گرفتن از گذشته‌های دور همچنان در باور مردم استان یزد بوده است و زمانی که معمولاً برای انجام کاری دچار شک و تردید می‌شوند با کمک استخاره، راه خود را انتخاب می‌کنند.

«حسن گفت: جواد جان! اینجا باید از خدا کسب تکلیف کرد، یعنی باید استخاره گرفت و سپس مشغول استخاره گرفتن شد.» (خدایی، ۱۳۸۸: ۷۷).

۲۰. دانش عامیانه

بشر از همان زمان آغاز زندگی برای حل مشکلات روزمره خود به دنبال راه‌حلی بوده جاست و به این راه‌حل‌ها که از راه تجربه و متناسب با شرایط زیست‌محیطی به وجود می‌آید «دانش عامیانه» می‌گویند. این مورد در خاطرات دفاع مقدس استان یزد بسامد بالایی دارد.

– دور کردن پشه‌ها به وسیله دود

«آدمی نمی‌تواند جبهه آمده باشد و آزار نیش نامبارک پشه‌های منطقه را ندیده باشد... یک رقم عود کار اینها را می‌ساخت. حداقل در موقع نماز که در سنگرها روشن می‌کردند پشه‌ها می‌رفتند و یا اینکه حمله و هجومشان کمتر می‌شد.» (هاشمی، ۱۳۸۸: ۲۶).

– استفاده از پهن گاو برای دور کردن پشه‌ها

«یک شب یکی از برادران گفت: اگر پهن گاو درون سنگرها بگذاریم تا دود کند، پشه‌ها دیگر وارد سنگر نمی‌شوند» (همتی، ۱۳۹۵: ۲۵).



۲۱. تصویرسازی از زندگی روستایی

قرار گرفتن در فضای روستا، انس با طبیعت و تصویرسازی از محیط روستا از دیگر کارکردهایی است که می‌توان در حوزه فرهنگ عامه از آن یاد کرد. خاطره‌نگاران دفاع مقدس استان یزد نیز تلاش کرده‌اند تا جلوه‌هایی از این مورد را در خاطره‌نگاشت‌های خود به شکلی زیبا و هنرمندانه بازتاب دهند.

«از کوچه‌های باریک و دیوارهای کاه‌گلی بلند که ارتفاع آنها از عرض کوچه بیشتر است به سختی می‌توان عبور کرد» (عسکری، ۱۳۸۹: ۵۰).

«زن‌ها هرکدام زنبیلی به دست گرفته‌اند و از کناره‌های دیوار کاه‌گلی برای گرفتن خواروبار کوپنی به سمت فروشگاه تعاونی روستا می‌روند» (همان: ۵۱).

نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد عناصر فرهنگ عامیانه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس استان یزد بسامد بالایی دارد؛ به گونه‌ای که خاطره‌نگاران و نویسندگان استان یزد به شیوه‌ای زیبا و ماهرانه کوشیده‌اند تا از فرهنگ عامیانه مردم سرزمین خود غافل نشوند و آنها را به‌طور هنرمندانه‌ای در آثار خود جای دهند.

این آثار به ضرب‌المثل‌ها، تعبیرهای عامیانه، کنایه‌ها، باورها و اعتقادات، دعاها و نفرین‌ها، دانش عامیانه، بخت و شانس و ... که از مقوله‌های ادبیات شفاهی عامیانه محسوب می‌شوند، توجه خاصی دارند. همچنین توجه به طب سنتی، سرگرمی‌ها، لالایی‌ها، مشاغل سنتی، طبقات اجتماعی و ... آثار آنان را به زبان کوچه‌بازار نزدیک کرده و موجب شده تا فهم آنها نیز برای مخاطب آسان‌تر به نظر برسد. به‌طورکلی جلوه‌های فرهنگ عامیانه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس که به‌نوعی با یکدیگر عجین شده و پیوندی ناگسستنی برقرار کرده‌اند، از رنگ و جلای چشمگیر و درعین حال دلپذیر برخوردارند که شاید نمونه‌های آن را در دیگر گونه‌های ادبی کمتر می‌توان سراغ گرفت.

نکته قابل توجه دیگر اینکه به‌کارگیری عناصر فرهنگ عامه در این خاطره‌نگاشت‌ها ضمن اینکه متون خاطرات را زیبا و جذاب نموده، اشتیاق و ذوق خواننده و مخاطب را برای دنبال کردن و خواندن بیشتر این خاطره‌نگاشت‌ها برانگیخته است.



پیشنهادها

توجه به آثار مکتوب و غیر مکتوب یک ملت و تلاش برای حفظ و احیای این آثار، امری بدیهی است. نگارندگان در ان مقاله، به بررسی جلوه‌های فرهنگ عامیانه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس استان یزد پرداخته‌اند. چون منبع این پژوهش، از مهم‌ترین منابع شفاهی هستند و این آثار، تحوّل عظیمی در فرهنگ و زبان و ادبیات ایجاد کرده و خواهد کرد و سرشار از اطلاعات بسیاری است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهشگران حوزه ادبیات عامّه به بررسی این آثار بپردازند و بکوشند اندیشه‌هایی نوین درافکنند و سبب غنای هرچه بیشتر ادبیات عامه این مرزوبوم شوند. پیشنهادهایی در این زمینه مطرح می‌شود:

- پیشنهاد می‌شود دانشجویان زبان و ادبیات فارسی که علاقه‌مند به ادبیات عامّه هستند، به بررسی جنبه‌های دیگر ادبیات عامّه در این زمینه بپردازند.

- تعدادی از منابع و خاطره‌نگاشته‌های چاپ‌شده، مربوط به دفاع مقدس مرتبط به یک شهرستان و یک محله است و شاید هنوز دل‌نوشته‌ها و خاطراتی وجود داشته باشد که مکتوب نشده است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود یک فرهنگ عامّه جامع خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدس استان یزد نگاشته شود.

- استادان زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، پیشنهاد پژوهش در این مورد را به دانشجویان خود بدهند.

محدودیت‌ها

ضمن انجام این تحقیق محدودیت‌ها و مشکلاتی وجود داشته است که عدم دسترسی به منابع از مهم‌ترین آنها بود. چون اغلب کتابخانه‌ها نیز کتاب‌های معدودی در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند و امکان مطالعه و یادداشت‌برداری از تمامی کتاب‌ها، در همان محل کتابخانه میسر نیست، نگارنده ناچار بود، مرتّب و مکرّر، به کتابخانه‌های عمومی شهر رفت و آمد کند.



منابع و مأخذ

- امینی، مهدی (۱۴۰۰). اتاق کمیل. اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، یزد: خط‌شکنان.
- ایروانی، محمدرضا (۱۳۸۶). نگاهی به خاطره‌نویسی و مقایسه آن با زندگی‌نامه و سفرنامه. *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*، س ۳ (۸): ۴۴ - ۶۰.
- براهنی، رضا (۱۳۶۲). *قصه‌نویسی*. تهران: نشر نو.
- توکلی، جلال (۱۳۹۶). *یک بعلاوه پنج*. تهران: پیام آزادگان.
- خدایی، سید علی اکبر (۱۳۸۸). *این بار با جواد*. تهران: ورا دانش.
- طباطبایی اردکانی، سید محمود (۱۳۸۱). *فرهنگ عامه اردکان*. تهران: نشر چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حاجی‌زاده میمندی، مسعود (۱۳۸۴). *الگوی پژوهش در فرهنگ عامه*. یزد: نشر شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد با همکاری علم نوین.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۲). *لغت‌نامه، جلد بیست‌وهفتم*. تهران: دانشگاه تهران با سازمان لغت‌نامه.
- دهقان، احمد (۱۳۸۶). *خاک و خاطره*. تهران: نشر صریر.
- رنجبر، اکبر (۱۳۹۹). *فرهنگ عامه کرخنگان*. یزد: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۰). *زمینه فرهنگ‌شناسی*. تهران: نشر دانشگاه پیام نور با همکاری انتشارات دلیل.
- زمانی‌فر، مصطفی (۱۳۹۸). *سالار تکریت (خاطرات آزاده سرافراز سید حسین سالاری)*. تهران: سوره مهر.
- سرامی، قدمعلی (۱۳۶۸). *از رنگ گل تا رنج خار*. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.



بررسی جلوه‌های فرهنگ عامیانه در خاطره‌نگاشت‌های دفاع مقدّس...

- سپیک، ییری (۱۳۸۹). ادبیات فولکلور ایران (ترجمه محمد اخگری)، تهران: نشر سروش.
- شعبانپور، غلامرضا (۱۳۸۳). مهین مهرورزان (نیریز در جنگ). نیریز: مجتمع فرهنگی کوثر نور.
- شمس‌الدینی، محمدهادی (۱۳۹۹). مسیر سبز. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد، یزد: خط‌شکنان.
- عسکری، محمدرضا (۱۳۸۹). آبی‌ها تا سرخ (مجموعه خاطرات دفاع مقدّس). یزد: مفاخر.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۸). سخن‌های دیرینه. به کوشش علی دهباشی، چاپ سوم، تهران: افکار.
- قلی‌پور، مجتبی (۱۳۹۶). به صلابت شیرکوه. اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس استان یزد، یزد: خط‌شکنان.
- کلانتری، محمدرضا؛ اعتمادی، مجتبی (۱۳۹۹). روایت صدیقین. بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدّس استان یزد، یزد: خط‌شکنان.
- موسوی گرمارودی، سید مصطفی (۱۳۸۲). شعر کودک از آغاز تا امروز. تهران: نشر سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مهربانی، عالیه (۱۳۸۸). زخم‌ها زبان باز می‌کنند (خاطرات آزاده سرافراز محمدرضا ابوالحسنی). یزد: مفاخر.
- میهن‌دوست، محسن (۱۳۸۰). پژوهش عمومی فرهنگ عامه. تهران: انتشارات طوس.
- هاشمی، سیدعباس (۱۳۸۸). یاد آن روزها به خیر. یزد: آبگینه کویر.
- همّتی، محمدعلی (۱۳۹۵). خط‌شکن کویر. اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس استان یزد، یزد: خط‌شکنان.
- همّتی، محمدعلی (۱۳۹۵). گزینه‌ای برای ستاد (خاطرات شفاهی حاج احمد زارع). اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس، یزد: خط‌شکنان.



A Study of folk effects in the memoir of Sacred Defense of Yazd provincn

Akbar Ranjbar, Hadi Heidarinia, Mahmood Sadegh Zadeh

Abstract

This paper reports on an analysis and description of the manifestations of popular culture in the memoirs of the Sacred Defense in Yazd province. It can be said that the authors and memoirists of Yazd province pay special attention to the folk culture or folklore in their works, which are written in a colloquial and informal language. These works are a manifestation of popular culture. In these works, beliefs, traditions, customs, superstitions, occupations, slang and colloquial expressions, proverbs, idioms, melodies and tunes, traditional medicine, marriage rituals, magic and sorcery, etc., have been artistically crystallized. Establishing communication with the audience and considering the current circumstances and employing popular culture in the works, as well as creating new themes, have led to these memoirs being met with public interest as written documents and finding their place in society. In this paper, the most important manifestations of popular culture in the memoirs of the Sacred Defense in Yazd province are analyzed and described analytically.

Key words: Folklore, Memoir, Sacred Defense, Yazd Province

